عنوان:

**خطری مهم در معامله طلا و نقره**

|  |
| --- |
| شناسنامه مطلب |
| کد مطلب | e-w-50 |
| موضوع |  |
| رده | علمی/سایر علوم/تحقیق و مطالب علمی/یادداشت/دروس حوزوی/سؤال و تمرین |
| برچسب | مجاز، استعاره، کنایه، احکام ظرف و شبه ظرف، اسم فعل، حکایت، ربا، بیع صرف، مفاسد اقتصادی، استثنا، شروط عوضین، معانی حروف جر |
| توضیحات | 1. محتوای این فایل، پاسخ به [تمرین 92](https://eitaa.com/karbordeelm/811) از تمارین [کانال کاربرد علوم حوزوی](https://eitaa.com/karbordeelm) در پیام‌رسان ایتا است.2. در توليد اين فايل از نرم‌افزار کتابخانه احادیث فریقین متعلق به مرکز تحقيقات کامپيوتری علوم اسلامی استفاده شده است. |

**تمرین تجزیه و ترکیب:**

قال رسول الله صلی الله وعلیه و آله الذهب بالورق ربا الا هاء و هاء[[1]](#footnote-1).

**پاسخ:**

هاء اسم فعل است به معنای بیاور و اینجا مراد اسم فعل نیست بلکه گفتن هاء است و گفتن مکرر هاء کنایه است از تقابض عوضین فی المجلس.

قبل از الذهب، مضاف در تقدیر است یعنی بیع و یا اینکه ربا بر خود ذهب اطلاق شده است به اعتبار تحققش در آن مبیع پس حمل فاسد یا حرام بر طلای موصوف به مقابله با نقره استعاره عقلی است یا به تقدیر مضاف چون خود طلای مزبور که فاسد نیست بلکه فروشش فاسد است و بالورق نعت است برای الذهب متعلق به كائن و آخر حدیقه رابعه صمدیه گفته شد که ظرف و شبه ظرف بعد از معرفه غیر محضه صفت می‌تواند باشد و حال هم ممکن است و باء به معنی مقابله است و چون می دانیم که بیع صرف با بیع ربوی در مصطلح فقها تفاوت دارند پس باید اطلاق ربا را بر بیع الذهب المقابل به الورق (=الفضة) توجیه کنیم؛ مثلاً بگوییم که مراد از مفرد «ربا» حرام است بنابر مجاز بعلاقة البعضیة[[2]](#footnote-2) زیرا ربای حقیقی در غیر متجانس نیست پس یکی از مصادیق شدید حرام گفته شده و خود حرام قصد شده و یا اینکه گفته شود که در استعمال آن هنگام، اصطلاح، مورد لحاظ نبوده است و بر مطلق معاملاتی که موجب تراکم نامعقول ثروت در برخی می شده است مانند بیع صرف نسیةً ربا اطلاق گشته است[[3]](#footnote-3) و این با اصل لغت ربا سازگار است البته اگر بیع صرف قبل از تقابض عوضین حرام تکلیفی باشد و یا فاسد اراده شده از ربا اگر بیع صرف بلاتقابض حرام نباشد (کما هو الصحیح ظاهراً) و یا اینکه نفس مبغوضیت موجب اطلاق بوده و بگوییم که بیع صرف نسیه مکروه است به‌سبب انجرار به اختلال اقتصادی در مواردی مثل ابتلا به نوسانات قیمت.

.

جمله هاء و هاء گفته شد که محکی است و در حکم مفرد یعنی مقولاً فیه هاء و هاء و عامل در آن، هیئت جمله اسمیه و یا فعل أستثني و یا إلا و یا عامل معنوی است علی اختلاف الاقوال و الله اعلم.

خلاصه خبر کنایه به اشتراط تقابض متقابل عوضین در بیع صرف است.

مباحث بیشتری در اینجا می‌توان گفت.

1. . مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج‏1، ص: 358 [↑](#footnote-ref-1)
2. . تأملنا فیه بعد فإن ظاهر القوم أن المراد من البعض هو الجزء لا الجزئي فیکون استعارة في لفظ المفرد بجامع الحرام. [↑](#footnote-ref-2)
3. . شاهد بر آن نقل روایات به‌شکل کامل‌تر است که در آن اینگونه وارد شده است: «قال رسول الله صلى الله عليه و سلم: الذهب بالورق ربا إلا هاء و هاء، و البر بالبر ربا إلا هاء و هاء، و التمر بالتمر ربا إلا هاء و هاء، و الشعير بالشعير ربا إلا هاء و هاء» (سنن أبي داود، ج‏3، ص: 1455) و البته این بنابر برداشت عامه است چراکه با مراجعه به موارد نقل خبر در کتب ایشان روشن می شود که از هاء و هاء تقابض در مجلس فهمیده‌اند و این برداشت به صحابه مانند عمر بن الخطاب مربوط می شود و ما در غیر نقدین، تقابض را شرط نمی دانیم و بنابر ثبوت ذیل، باید هاء و هاء کنایه از عدم تفاضل باشد در ذیل و تقابض باشد در صدر و لایخفی ما فیه من بعد الواسطة في هاء و هاء و عدم التفاضل اولاً و ضعف التنسیق الفاحش ثانیا و احتمال، وضع یا خطا در ذیل خصوصا باتوجه به اکتفا به صدر در برخی از روایات قوی است. [↑](#footnote-ref-3)